

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

کله منارها

یک شهر، شهر مرده و شهر مزارها

اکنون پیاده شده یکسر سوارها
کس اختیار خویش ندارد درین زمان
مردانه تکیه بر خود و بر اعتبار خویش
یاد آنکه شور و شعله آتش زبانیم
از دور دست شکوه، شکایت نمیکنم
غیر از گیاه هرزه نمویی نکرده است
شیرازه اخوت و یاری گسسته است
تا از لباس عافیت دور کرده اند
گردد برنگ دیگری این چرخ نیلگون
مهر و عطوفت از همه جا رخت بسته است
بر بردباریم چه حسد میبری رقیب؟؟
یا واجب الوجود، چه دوران خودسری ست
جمعی در انقیاد به فرمان اجنبی
گردیده شهر کابل ما شهر مردگان
یک شهر شهر خفته و از یاد رفته ای

رفته سوارها ز کف اعتبارها
یاد آنکه بود ما همه را اختیارها
چون ما کسی نبود به پاستوارها
هرجا زبانه میزد و هر دم شرارها
مارا به خون نشانده همین همجوارها
تخم بدی فشانده درین شوره زارها
نز دوستی نشانه، نه از دوستدارها
همخانه نیش میزندم همچو مارها
وارونه میروند رقم کار و بارها
افتاده تا به گردن مردم مهارها
تو بار خویش دور کن از جمع بارها
در دور ما نبود چنین گیر و دارها
آنجا به قتل عام کند افتخارها
یک شهر شهر مرده و شهر مزارها
یک شهر شهر کُرتی و شهر ازارها

یک شهر شهر وسوسه و شهر ترس و بیم آویخته به کوچه و پسکوچه دارها
یک شهر شهر سوخته و رنگباخته آئینه مکدر و تاریک و تارها
یک شهر شهر آتش و خاکستر است و دود با مردمی برآمده دود از دمارها
یک شهر شهر تیغ و ترور و سنان و تیر گردیده زنده دوره کلاه منارها

در روز بازپرس «اسیر» این ستمگران
ره گم کنند و جمله بیالند غارها

(بن - المان، جولای ۱۹۹۹ع)